



Research Paper

Economisation of the Islamic Republic of Iran's Foreign Policy: An Institutional Analysis of Obstacles and Strategies Abstract

Mehdi Sadidi ¹, Ali Asghar Pourezat ², *Ahad Rezayan ghaye bashi ³

1. PhD Student, Policy Making, Kish Campus, University of Tehran, Tehran, Iran.

2. Professor, Department of Public Policy Making, Faculty of Management, Faculty of Public Administration and Organizational Sciences, University of Tehran, Tehran, Iran.

3. Assistant Professor, Department of Futures Studies, Faculty of Governance, University of Tehran, Tehran, Iran.

Use your device to scan
and read the article online



Citation: Sadidi.M, Pourezat.A, Rezayan ghaye bashi. Ahad (2026). [Economisation of the Islamic Republic of Iran's Foreign Policy: An Institutional Analysis of Obstacles and Strategies Abstract (Persian)]. *Journal of Governance knowledge*, 03(09), 46-67. <https://doi.org/10.22034/jokog.2025.528132.1105>



<https://doi.org/10.22034/jokog.2025.528132.1105>



Received: 03 Jun 2025

Revised: 12 Oct 2025

Accepted: 19 Oct 2025

Available Online: 19 Mar 2026

Keywords:

Economisation of Foreign Policy, Foreign Policy, Islamic Republic of Iran, New Institutionalism, Foreign Policy Analysis (FPA).

ABSTRACT

This study examines the persistent obstacles to the economization of the Islamic Republic of Iran's foreign policy through an integrated conceptual framework derived from New Institutionalism and Foreign Policy Analysis. Employing a qualitative approach based on a systematic literature review and in-depth, semi-structured interviews with 18 policy and economic elites, this research argues that the primary impediments are not merely external pressures but are deeply rooted in institutional rigidity and historical path dependency within Iran's decision-making structures.

Findings indicate that this institutional context fosters an environment where the dominance of a security-driven institutional logic over an economic logic, coupled with bureaucratic rivalries among parallel institutions, systematically hinders the transformation of diplomacy into a tool for trade development and investment attraction. While sanctions have acted as an external catalyst highlighting the need for trade partner diversification, the study suggests that without profound institutional reforms in domestic rules of the game and the bureaucratic incentive system, these opportunities will not be fully realized. By analyzing the interplay between structures (institutions) and agents (bureaucracies), this research proposes that an effective operationalization strategy must focus on the de-institutionalization of dysfunctional procedures and the institutionalization of coordinative, economically-oriented structures.

* Corresponding Author:

Ahad Rezayan ghaye bashi

Address: Department of Futures Studies, Faculty of Governance, University of Tehran, Tehran, Iran.

E-mail: Ahad.rezayan@ut.ac.ir



مقاله پژوهشی اقتصادی سازی خطمشی های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: تحلیلی نهادی از موانع و راهبردها

سید مهدی سیدی^۱، علی اصغر پورعزت^۲، * احد رضایان قیه باشی^۳

۱. دانشجوی دکتری، رشته خط مشی گذاری، پردیس کیش، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۲. استاده گروه خط مشی گذاری عمومی، دانشکده مدیرت، دانشکده مدیریت دولتی و علوم سازمانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

۳. استادیار، گروه آینده پژوهی، دانشکده حکمرانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

این پژوهش، موانع پایدار در مسیر اقتصادی سازی خطمشی های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را با استفاده از یک چارچوب مفهومی یکپارچه مبتنی بر نظریه نهادگرایی نوین و رویکردهای تحلیل سیاست خارجی مورد بررسی قرار می دهد. این پژوهش با رویکرد کیفی و بر اساس تحلیل دوگانه داده های حاصل از مرور نظام مند ادبیات و مصاحبه های عمیق نیمه ساختاریافته با ۱۸ خبره حوزه سیاست خارجی و اقتصاد، استدلال می کند که موانع اصلی این فرآیند، نه صرفاً فشارهای خارجی، بلکه ریشه در صلبیت نهادی و وابستگی به مسیر تاریخی در ساختارهای تصمیم گیری ایران دارد. این چارچوب نهادی، بستری را فراهم می کند که در آن رقابت های بوروکراتیک میان نهادهای موازی و غلبه منطق نهادی امنیت محور بر منطق اقتصادی، به طور سیستماتیک مانع از تبدیل دیپلماسی به ابزاری برای توسعه تجارت و جذب سرمایه می شود. در حالی که تحریم ها به عنوان یک کاتالیزور خارجی، ضرورت تنوع بخشی به شرکای تجاری را آشکار ساخته اند، اما یافته ها حاکی از آن است که بدون اصلاحات نهادی عمیق در قواعد بازی داخلی و تغییر در نظام انگیزشی، این فرصت ها به نتیجه مطلوب نخواهند رسید. این پژوهش با تحلیل تعامل میان ساختارها (نهادهای) و بازیگران (بوروکراسی ها)، پیشنهاد می کند که راهبرد عملیاتی سازی، باید بر نهادزدایی از رویه های ناکارآمد و نهادسازی ساختارهای هماهنگ کننده و مبتنی بر منطق اقتصادی متمرکز شود.

تاریخ دریافت: ۱۳ خرداد ۱۴۰۴

تاریخ بازنگری: ۲۰ مهر ۱۴۰۴

تاریخ پذیرش: ۲۷ مهر ۱۴۰۴

تاریخ انتشار: ۲۸ اسفند ۱۴۰۴

کلیدواژه ها:

اقتصادی سازی، سیاست
خارجی، خطمشی های
سیاست خارجی،
جمهوری اسلامی ایران،
نهادگرایی نوین، تحلیل
سیاست خارجی.

* نویسنده مسئول:

احد رضایان قیه باشی

نشانی: دانشکده حکمرانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

رایانامه: Ahad.rezayan@ut.ac.ir



مقدمه

را با معیارهایی مثل سودآوری، کاهش هزینه‌ها و دسترسی به بازارهای جهانی بسنجند (Spohr et al., 2017). جهانی‌شدن اقتصاد این ضرورت را تشدید کرده، زیرا دولت‌ها دیگر نمی‌توانند تنها به‌عنوان واحدهای سرزمینی عمل کنند (Barkhordari et al., 2021)، بلکه باید بازیگرانی فعال در اقتصاد سیاسی جهانی باشند. (Strange, 1996)

تجربه نشان داده که وقتی سیاست خارجی با ملاحظات اقتصادی هدایت می‌شود، نه تنها توسعه اقتصادی سرعت می‌گیرد، بلکه امنیت ملی نیز از طریق کاهش وابستگی به منابع محدود و افزایش قدرت چانه‌زنی در عرصه بین‌المللی تقویت می‌شود (Ehteshami, 2017) و همچنین توسعه همکاری‌های بین‌المللی و ایجاد ثبات در این روابط زمینه‌ساز گسترش روابط اقتصادی ایران به سایر کشورها و ادغام بیشتر در اقتصاد جهانی است که خود باعث افزایش رونق تجارت، رفع رکود و تا حدی تورم می‌شود (Rahnejat, 2024). از طرف دیگر وابستگی به درآمدهای حاصل از خام‌فروشی نفت دهه‌های متمادی است که گریبان‌گیر اقتصاد ایران شده و عامل مشکلات متعددی از جمله نوسانات اقتصادی، تورم، بیکاری و تراز منفی بازرگانی بدون نفت بوده است (Rezayan Ghiyebashi et al., 2024). در صورتی که بخش نفت ایران با تحریم‌های بین‌المللی و نوسانات سیاسی مواجه است که پیش‌بینی دقیق آینده را دشوار می‌سازد (Khoubyari et al., 2024).

جمهوری اسلامی ایران، با وجود ظرفیت‌های برجسته‌ای چون منابع انرژی، موقعیت ژئوپلیتیک و بازار داخلی بزرگ (Eslamian & Habibi, 2020)، هنوز نتوانسته ملاحظات اقتصادی را به‌طور کامل بر خط‌مشی‌های سیاست خارجی خود حاکم کند. (Katzman, 2021) این چالش ریشه

در دوران پس از جنگ سرد، شاهد یک تغییر پارادایم جهانی از ژئوپلیتیک به ژئوآکونومیک بوده‌ایم که در آن، منطق رقابت تجاری به تدریج جایگزین منطق تقابل نظامی می‌شود. (Luttwak, 1990) سیاست خارجی بسیاری از کشورها از یک ابزار صرفاً سیاسی-امنیتی به اهرمی برای پیشبرد منافع اقتصادی تبدیل شده است. کشورهایی مانند چین (Asgarkhani et al., 2019)، امارات متحده عربی و ترکیه نمونه‌هایی برجسته از این تحولند که دیپلماسی خود را بر اساس محاسبات دقیق اقتصادی - یا به تعبیری «دو تا چهار تایی» - بازطراحی کرده‌اند (Dollar, 2016; Hvidt, 2011; Kirişci, 2011). چین با پروژه کمربند و جاده، سیاست خارجی خود را به موتور توسعه زیرساخت‌ها و تجارت جهانی تبدیل کرده و نشان داده که می‌توان ملاحظات اقتصادی را بر اولویت‌های سیاسی و امنیتی غالب کرد. (Cai, 2017) امارات نیز با دیپلماسی تجاری و جذب سرمایه‌گذاری خارجی، الگویی موفق از پیوند سیاست خارجی و رشد اقتصادی ارائه داده است (Hvidt, 2011)، ترکیه هم با گسترش روابط تجاری با همسایگان و آفریقا، نشان داده که دوست و دشمن سیاسی می‌تواند و باید دوست و دشمن اقتصادی هم باشد. (Kirişci, 2011) در این کشورها، سیاست خارجی نه تنها ابزاری برای توسعه اقتصادی است، بلکه در نهایت به تقویت امنیت ملی نیز منجر می‌شود، زیرا ثروت و ثبات اقتصادی، پایه‌ای برای قدرت دفاعی و سیاسی فراهم می‌کند. (Nye, 2004) این رویکرد عمل‌گرایانه مستلزم آن است که بدنه فکری و اجرایی سیاست خارجی - از جمله وزارت خارجه و دیپلمات‌ها - به جای تمرکز صرف بر مسائل سیاسی، اقتصادی فکر کنند و تصمیماتشان

منسجم برای تبیین این مسئله است که چرا با وجود آگاهی از اهمیت دیپلماسی اقتصادی، ساختارها و رویه‌های سیاست خارجی ایران در برابر تغییر مقاومت می‌کنند. به عبارت دیگر، مسئله اصلی نه ندانستن راهکار، بلکه نتوانستن در اجرا است. این پژوهش تلاش می‌کند تا با بهره‌گیری از یک چارچوب نظری مبتنی بر نهادگرایی نوین و تحلیل سیاست خارجی، این شکاف را پر کرده و تبیین کند که چگونه نهادهای رسمی (ساختارها و قوانین) و نهادهای غیررسمی (هنجارها و ذهنیت‌ها) در تعامل با یکدیگر، مانع از اقتصادی‌سازی مؤثر سیاست خارجی ایران شده‌اند. بنابراین، پرسش محوری این پژوهش از این منظر عبارت است از: موانع نهادی و بوروکراتیک اصلی در مسیر اقتصادی‌سازی سیاست خارجی ایران کدامند و چگونه می‌توان بر آن‌ها غلبه کرد؟ برای پاسخ به این پرسش، این مقاله ابتدا یک چارچوب مفهومی یکپارچه بر اساس ادبیات پژوهش تدوین کرده و سپس با استفاده از داده‌های کیفی، موانع موجود را در این چارچوب تحلیل می‌نماید.

چارچوب مفهومی پژوهش: تحلیلی یکپارچه از موانع اقتصادی‌سازی

در این پژوهش، لازم است از ابتدا میان مفهوم محوری تحقیق یعنی اقتصادی‌سازی سیاست خارجی و واژه مرتبط اما متمایز دیپلماسی اقتصادی تمایز قائل شویم. دیپلماسی اقتصادی به ابزارها و فعالیت‌های مشخص دیپلماتیک برای پیشبرد اهداف تجاری و سرمایه‌گذاری اشاره دارد و جنبه‌ای عملیاتی و تاکتیکی دارد. (Bayne & Woolcock, 2011) در مقابل، اقتصادی‌سازی سیاست خارجی مفهومی استراتژیک و کلان است که به فرآیند بازتعریف فلسفه و اولویت‌های اصلی سیاست خارجی یک کشور اطلاق می‌شود؛ فرآیندی که در آن، ملاحظات

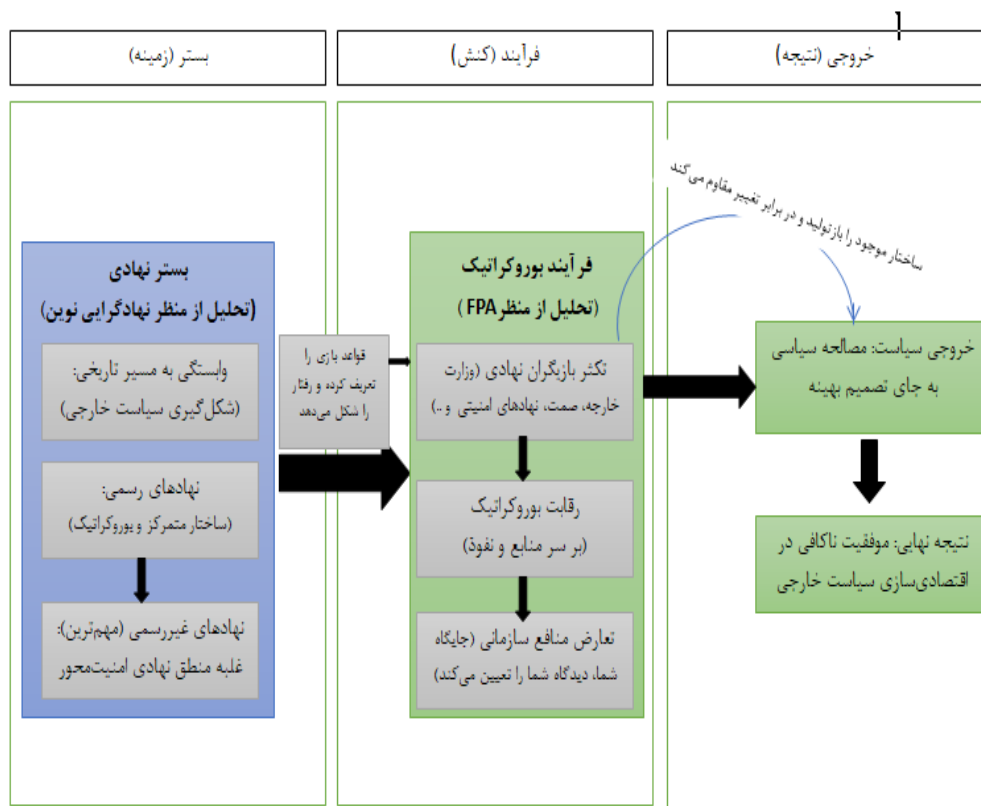
در موانع ساختاری و الگوهای ذهنیتی عمیقی دارد که پژوهشگران داخلی نیز به تحلیل آن پرداخته‌اند (Dehghani Firouzabadi, 2014). در دهه‌های اخیر، روابط خارجی ایران اغلب تحت تأثیر مسائل سیاسی و امنیتی بوده و کمتر شاهد رویکردی بوده‌ایم که دوست و دشمن سیاسی را با منطق اقتصادی هم‌راستا کند (Amiri & Shariatnia, 2015). در دنیای جدید که دنیایی تکه تکه شده است، پدیده‌هایی نظیر تحریم، پلتفرم‌های مالی و بانکی، زنجیره‌های ارزش جهانی و منطقه‌ای، میزان کارکرد ارز جهان روا، رقابت بر سر دسترسی به مواد اولیه حیاتی و... شکل جدیدی به خود خواهند گرفت (Goharimoghadam & Torabifard, 2023). برای مثال، تحریم‌های بین‌المللی، هرچند محدودیت‌هایی ایجاد کرده‌اند، اما می‌توانستند فرصتی برای بازتعریف روابط با همسایگان یا تنوع‌بخشی به شرکای تجاری باشند که به‌طور کامل از آن استفاده نشده است (Vakil, 2020). این وضعیت، ایران را از بهره‌مندی از جایگاه شایسته‌اش در اقتصاد جهانی محروم کرده و نشان‌دهنده نیاز فوری به الگویی است که بایدهای اقتصادی را بر سیاست خارجی غالب کند. این چالش از آن جهت عمیق‌تر می‌شود که اساساً مفهوم توسعه پایدار در فرآیند سیاست‌گذاری کلان کشور به‌عنوان یک اصل راهنما به‌طور کامل پذیرفته و به کار گرفته نشده است (Malek Mohammadi, 2014, & Kamali).

با این حال، بسیاری از تحلیل‌های پیشین در این حوزه یا به توصیف موانع آشکاری مانند تحریم‌ها بسنده کرده‌اند (Vakil, 2020) و یا راهکارهای کلی و تجویزی ارائه داده‌اند، بدون آنکه به ریشه‌های ساختاری و نهادی این ناکارآمدی بپردازند. شکاف اصلی در ادبیات موجود، فقدان یک چارچوب نظری



اقتصادی بر سایر ملاحظات سنتی (سیاسی و امنیتی) برتری یافته و به محور اصلی تصمیم‌گیری‌ها تبدیل می‌شود. این گذار به سمت الگوی دولت تجاری است که در آن، قدرت ملی بیش از آنکه از طریق ابزارهای نظامی تعریف شود، از طریق موفقیت در عرصه اقتصاد جهانی سنجیده می‌شود. (Rosecrance, 1986) برای تبیین عمیق موانع پایدار در مسیر اقتصادی‌سازی سیاست خارجی ایران، نیازمند یک چارچوب تحلیلی هستیم که بتواند از توصیف صرف فراتر رفته و مکانیزم‌های بازتولید ناکارآمدی را آشکار سازد. تحلیل ادبیات پژوهش نشان داد که نظریه‌های موجود به تنهایی قادر به توضیح این پدیده پیچیده نیستند؛ نظریه‌های ساختاری مانند نهادگرایی نوین به خوبی بستر و قواعد بازی مقاوم در برابر تغییر را توضیح می‌دهند، اما نقش بازیگران و رقابت‌های سیاسی را نادیده می‌گیرند. از سوی دیگر، نظریه‌های کارگزارمحور مانند تحلیل سیاست خارجی به خوبی رفتار بوروکراتیک بازیگران را تحلیل می‌کنند، اما اغلب این رفتار را در بستر عمیق‌تر نهادی آن قرار نمی‌دهند. شکاف اصلی، فقدان یک مدل تحلیلی است که بتواند تعامل پویا میان این دو سطح را به تصویر بکشد. از این رو، این پژوهش با ادغام مفاهیم کلیدی این دو رویکرد، یک چارچوب مفهومی یکپارچه و ترکیبی ارائه می‌دهد. ایده محوری این چارچوب آن است که ناکارآمدی موجود، محصول تقویت متقابل یک ساختار نهادی امنیت‌محور با رفتار بوروکراتیک منفعت‌محور است. ستون اول این چارچوب، یعنی تحلیل ساختار، بر مفاهیم کلیدی برگرفته از نهادگرایی نوین استوار است (North, 1990). این رویکرد به ما کمک می‌کند تا قواعد بازی حاکم بر سیاست خارجی ایران را درک کنیم. مفهوم وابستگی به مسیر توضیح می‌دهد که چرا این قواعد به طور تاریخی حول محور دغدغه‌های امنیتی شکل

گرفته‌اند. این مسیر تاریخی، یک نهاد غیررسمی قدرتمند، یعنی غلبه منطق نهادی امنیت‌محور را در فرهنگ سازمانی و ذهنیت تصمیم‌گیران نهادینه کرده است. این منطق به مثابه یک فیلتر شناختی عمل کرده و بستری مقاوم در برابر تغییر به سمت اولویت‌های اقتصادی ایجاد می‌کند. ستون دوم این چارچوب، یعنی تحلیل کنش بازیگران در این بستر، از مدل سیاست بوروکراتیک در نظریه تحلیل سیاست خارجی بهره می‌برد (Allison, 1969). این مدل، دولت را نه یک واحد یکپارچه، بلکه میدانی برای رقابت و چانه‌زنی میان نهادهای مختلف (وزارت خارجه، صمت، نهادهای امنیتی و...) می‌بیند. بر اساس این مدل، خروجی سیاست خارجی نه یک تصمیم بهینه، بلکه یک مصالحه سیاسی است که از دل رقابت بوروکراتیک و تعارض منافع سازمانی بیرون می‌آید. هر نهاد بر اساس شعار «جایگاه شما، دیدگاه شما را تعیین می‌کند»، به دنبال حداکثرسازی منافع خود است. سهم اصلی و ترکیبی این چارچوب، در تبیین تعامل و تقویت متقابل این دو سطح نهفته است (شکل ۱). از یک سو، منطق نهادی امنیت‌محور (ساختار)، به بازیگران و نهادهای امنیتی در فرآیند چانه‌زنی بوروکراتیک، قدرت و مشروعیت بیشتری می‌بخشد و رفتار آن‌ها را شکل می‌دهد. از سوی دیگر، رقابت‌های بوروکراتیک (کنش)، با ایجاد تضاد منافع، مانع از شکل‌گیری اجماع برای اصلاح ساختاری می‌شود و در نتیجه، ساختار ناکارآمد موجود را حفظ و بازتولید می‌کند. بنابراین، این چارچوب تحلیلی یکپارچه به ما اجازه می‌دهد تا چرایی گیر افتادن سیاست خارجی ایران در یک تعادل ناکارآمد را تبیین کرده و از آن به عنوان نقشه راه اصلی برای تحلیل داده‌های کیفی این پژوهش استفاده کنیم.



شکل ۱. چارچوب مفهومی یکپارچه (تعامل ساختار و بازیگر در تبیین موانع اقتصادی‌سازی سیاست خارجی)

روش‌شناسی

بر مطالعه موردی (سیاست خارجی ایران) را الزام می‌کند که امکان بررسی عمیق و همه‌جانبه پدیده در بستر واقعی آن را فراهم می‌آورد.

فرآیند این پژوهش در یک زنجیره منطقی شامل سه مرحله اصلی طراحی شده است: (۱) تدوین چارچوب مفهومی بر اساس مرور نظام‌مند ادبیات، (۲) گردآوری داده‌های عمیق از طریق مصاحبه با خبرگان، و (۳) تحلیل داده‌ها در چارچوب مفهومی تدوین‌شده.

این پژوهش با هدف درک عمیق موانع نهادی و بوروکراتیک در مسیر اقتصادی‌سازی سیاست خارجی ایران، از یک رویکرد کیفی بهره می‌برد. فلسفه پژوهش حاضر بر پارادایم تفسیرگرایی استوار است که بر فهم عمیق معانی، تجربیات و تفاسیر خبرگان از یک پدیده پیچیده اجتماعی تأکید دارد. این مبنای فلسفی، انتخاب استراتژی پژوهش مبتنی

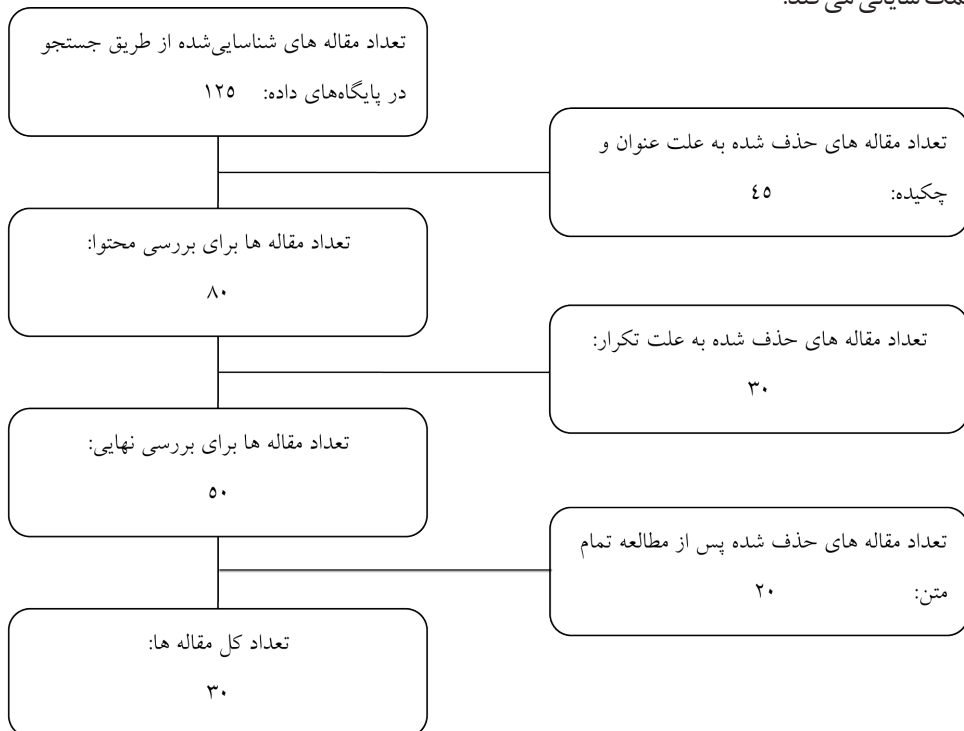
1. Interpretivism



مرور نظام‌مند ادبیات و تدوین چارچوب مفهومی

به‌عنوان گام نخست و به‌منظور ایجاد شالوده نظری مستحکم، یک مرور نظام‌مند بر ادبیات پژوهشی مرتبط انجام شد. این فرآیند با پیروی از پروتکل گزارش موارد ترجیحی برای مرورهای نظام‌مند و فراتحلیل‌ها (2020 PRISMA) طراحی و اجرا گردید تا از شفافیت، جامعیت و تکرارپذیری فرآیند اطمینان حاصل شود (Page et al., 2021). این رویکرد، همان‌گونه که در پژوهش‌های معتبر داخلی نظیر (Baghani & Hassanzadeh, 2020) نیز به کار رفته، به ساختارمند کردن فرآیند انتخاب منابع کمک شایانی می‌کند.

فرآیند جستجو در پایگاه‌های داده معتبر بین‌المللی (Scopus و Web of Science) انجام شد. برای پوشش دادن سه کلیدواژه کانونی تحقیق یعنی اقتصادی سازی و سیاست خارجی، دیپلماسی اقتصادی و ایران، موانع نهادی سیاست خارجی و ایران، یک رشته جستجوی جامع تدوین گردید: ((Economic Diplomacy and Iran, Institutional Economic Diplomacy and Iran, Institutional Obstacles of Foreign Policy and Iran)). معیارهای ورود برای انتخاب نهایی منابع شامل انتشار در بازه زمانی ۱۰ سال اخیر (۲۰۱۵-۲۰۲۴)، ارتباط مستقیم با موانع خط‌مشی‌گذاری در ایران و



شکل ۲. نمودار فرآیند انتخاب نظام‌مند منابع بر اساس الگوی (2020 PRISMA)

جدول ۱. کدهای اولیه استخراج شده از مرور نظام‌مند ادبیات و ارتباط آن‌ها با چارچوب نظری

ردیف	حوزه مفهومی برگرفته از چارچوب (نظری)	کدهای اولیه استخراج شده	مقالات مرتبط
۱	موانع ساختاری (Structural Obstacles) ۸ کد	صلبیت ساختاری بوروکراسی	۲۶، ۴۹، ۳۷، ۱۲
۲		وابستگی به مسیر تاریخی	۲۶، ۴۹، ۱۲، ۶، ۲، ۱
۳		قواعد رسمی ناکارآمد	۵۰، ۴۹، ۲۳، ۱۲
۴		تمرکزگرایی در تصمیم‌گیری	۳۷، ۱۲
۵		ضعف نهادهای اقتصادی	۵۰، ۴۹، ۲۳، ۲۱، ۱۲
۶		ساختار اقتصاد رانتهی	۲۶، ۲۱، ۱۲
۷		موازی کاری نهادهای	۴۹، ۳۷، ۱۲
۸		قوانین متناقض	۴۹، ۲۳، ۱۲
۹	موانع شناختی (Cognitive Obstacles) ۶ کد	غلبه منطق امنیتی بر منطق اقتصادی	۲۶، ۳۳، ۸، ۶، ۵، ۳، ۱
۱۰		هنجارهای غیر رسمی دیپلماتیک	۴۹، ۳۷، ۳
۱۱		فرهنگ سازمانی مقاوم در برابر تغییر	۴۹، ۳۷
۱۲		ذهنیت سیاسی زده	۲۶، ۸، ۶، ۵، ۳
۱۳		بی‌اعتمادی به بخش خصوصی	۴۹، ۱۲
۱۴		درک محدود از دیپلماسی اقتصادی	۴۹
۱۵		تضاد منافع سازمانی	۴۹، ۳۷
۱۶	رقابت‌های بوروکراتیک (Bureaucratic Rivalries) ۵ کد	فقدان نهاد هماهنگ‌کننده فرادستگاهی	۴۹، ۳۷، ۲۹، ۱۲
۱۷		چانه‌زنی سیاسی بین نهادهای	۳۹، ۳۷
۱۸		توق غیررسمی نهادهای موازی	۳۷، ۲۹
۱۹		تعریف‌های متعارض از منافع ملی	۸، ۱۰، ۲۴، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۴۵، ۴۴



نمونه‌گیری گلوله‌برفی^۲ نیز بهره گرفته شد. در این فرآیند، پس از انجام مصاحبه‌های اولیه با خبرگان دانشگاهی در دسترس، از آنان خواسته شد تا افراد کلیدی و باتجربه دیگری را در حوزه‌های دیپلماسی و خط‌مشی‌گذاری معرفی نمایند. این روش مبتنی بر شبکه و اعتماد، امکان دسترسی به مشارکت‌کنندگانی با سوابق اجرایی سطح بالا را فراهم آورد و باورپذیری داده‌ها را تضمین نمود برای نمایش عمق و تنوع تخصص مشارکت‌کنندگان، مشخصات کلیدی و سوابق آنان (بدون ذکر نام و با استفاده از کدهای ناشناس) در جدول ۲ ارائه شده است. این جدول نشان می‌دهد که نمونه انتخابی، ترکیبی از خبرگان با دانش نظری عمیق و تجربه عملی سطح بالا است. فرآیند نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری^۳ ادامه یافت.

ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته بود. پروتکل مصاحبه بر اساس چارچوب مفهومی تدوین‌شده و کدهای اولیه استخراج‌شده از مرور نظام‌مند ادبیات طراحی گردید تا ارتباط مستقیم بین نظریه و داده برقرار شود.

تحلیل داده‌ها و اعتبار‌سنجی

فرآیند تحلیل داده‌ها مطابق با شش مرحله تحلیل مضمون نظام‌مند (Braun & Clarke, 2006, 2021) انجام پذیرفت. این فرآیند استقرایی شامل آشنایی با داده‌ها، ایجاد کدهای اولیه، جستجوی مضامین، بازبینی مضامین، تعریف و نام‌گذاری مضامین و در نهایت تهیه گزارش نهایی بود. برای مثال، در عمل، یک عبارت از مصاحبه‌شونده مانند «در نهایت، این معاونت امنیتی است که باید طرح اقتصادی را تأیید

عمق تحلیلی بود. جزئیات فرآیند چهار مرحله‌ای شناسایی، غربالگری و انتخاب در نمودار جریان کار (شکل ۲) ارائه شده است.

پس از انتخاب نهایی ۳۰ منبع کلیدی، تحلیل تمام‌متن آن‌ها با هدف استخراج کدهای اولیه مرتبط با موانع ساختاری، شناختی و بوروکراتیک انجام شد. این کدها در واقع مفاهیم و مضامین اصلی تکرارشونده در ادبیات بودند که به درک ابعاد مختلف پدیده مورد مطالعه کمک کردند. فرآیند کدگذاری استقرایی منجر به شناسایی ۱۹ کد اولیه شد که در سه دسته اصلی مطابق با چارچوب نظری پژوهش (نهادگرایی نوین و مدل سیاست بوروکراتیک) طبقه‌بندی شدند. این کدها و دسته‌بندی آن‌ها، که در جدول ۱ نمایش داده شده‌اند، مبنای اصلی طراحی سؤالات پروتکل مصاحبه عمیق با خبرگان را تشکیل دادند.

تحلیل این مقالات نشان داد که ادبیات موجود حول سه محور مفهومی اصلی متمرکز است: (۱) موانع ساختاری (مانند صلبیت بوروکراسی و وابستگی به مسیر)، (۲) موانع شناختی (مانند غلبه منطق امنیتی)، و (۳) رقابت‌های بوروکراتیک (مانند تضاد منافع سازمانی). این سه دسته از موانع، پایه‌های اصلی چارچوب مفهومی یکپارچه پژوهش (که در بخش ۲ به تفصیل تشریح شد) را تشکیل دادند و مبنای اصلی طراحی سؤالات پروتکل مصاحبه با خبرگان قرار گرفتند.

مشارکت‌کنندگان و گردآوری داده‌ها

جامعه آماری پژوهش شامل ۱۸ نفر از خبرگان برجسته بود که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند با توجه به دشواری دسترسی به برخی از این خبرگان، در کنار نمونه‌گیری هدفمند، از تکنیک

2. Snowball Sampling
3. Theoretical Saturation

جدول ۲. مشخصات و سوابق تخصصی مشارکت کنندگان در پژوهش

کد خبره	حوزه تخصصی اصلی	سوابق کلیدی و اعتباربخش
E1	دیپلماسی	دکتری روابط بین الملل، سفیر سابق ایران در یکی از قدرت های بزرگ اروپایی
E2	دیپلماسی	معاون سابق اقتصادی وزارت امور خارجه، عضو سابق تیم مذاکرات تجاری
E3	دانشگاهی	استاد تمام علوم سیاسی (دانشگاه تهران)، نظریه پرداز سیاست خارجی ایران
E4	دانشگاهی	دانشیار روابط بین الملل، مشاور سابق کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس
E5	دانشگاهی	استاد اقتصاد، متخصص اقتصاد سیاسی بین الملل و توسعه
E6	دانشگاهی	استادیار حقوق بین الملل، متخصص تحریم های اقتصادی
E7	دانشگاهی	دکتری مدیریت دولتی، متخصص خط مشی گذاری عمومی
E8	دانشگاهی	استاد دانشگاه، متخصص مطالعات خاورمیانه و کشورهای همسایه
E9	دانشگاهی	دانشیار اقتصاد، متخصص تجارت بین الملل و سازمان تجارت جهانی (WTO)
E10	اقتصادی	اقتصاددان ارشد سابق بانک مرکزی یا سازمان برنامه و بودجه
E11	اقتصادی	عضو هیئت رئیسه اتاق بازرگانی ایران، فعال در حوزه صادرات غیرنفتی
E12	اقتصادی	مهندسی صنایع، دکتری مدیریت کسب و کار (DBA)، مدیرعامل یک شرکت بین المللی
E13	اقتصادی	مشاور اقتصادی نهادهای دولتی، سیاست گذار سابق
E14	اقتصادی	کارشناس ارشد اقتصاد انرژی، تحلیل گر بازارهای جهانی نفت
E15	تحلیل گری / راهبردی	رئیس سابق یک پژوهشکده مطالعات راهبردی
E16	تحلیل گری / راهبردی	مشاور سابق شورای عالی امنیت ملی
E17	تحلیل گری / راهبردی	تحلیل گر ارشد رسانه ای در حوزه سیاست خارجی
E18	تحلیل گری / راهبردی	عضو سابق کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس



یافته‌ها

پس از برگزاری مصاحبه‌ها توسط محقق و جمع‌آوری آن‌ها، متن مصاحبه‌ها متشکل از ۵۶ پاسخ ارائه‌شده توسط مشارکت‌کنندگان، بررسی و تحلیل شد و در نهایت این کار، تصویری جامع از ابعاد اقتصادی‌سازی سیاست خارجی ایران ارائه داد. در جدول زیر مضامین نهایی شناسایی شده در پژوهش حاضر و مضامین فرعی آن نشان داده شده است:

در ادامه، یافته‌ها به صورت تفصیلی و بر اساس دسته‌های موضوعی تشریح می‌شوند:

تعریف اقتصادی‌سازی: تغییر در منطق نهادی

هفت نفر از مصاحبه‌شوندگان، اقتصادی‌سازی را فرآیندی تعریف کردند که در آن سیاست خارجی به ابزاری برای توسعه تجارت، جذب سرمایه‌گذاری و کاهش وابستگی به منابع طبیعی تبدیل می‌شود. یک دیپلمات ارشد (E2) تأکید کرد که این مفهوم نیازمند تغییر ذهنیت از تقابل سیاسی به تعامل اقتصادی است و این تغییر رویکرد باید در تمام سطوح سیاست‌گذاری و دیپلماسی اعمال شود.

این تغییر ذهنیت، از منظر نظری، به معنای تلاش برای جایگزینی منطق نهادی^{۱۰} حاکم است. یافته‌ها نشان می‌دهد که منطق نهادی امنیت‌محور که به‌طور تاریخی بر دستگاه دیپلماسی ایران مسلط بوده، باید جای خود را به منطق نهادی اقتصادمحور بدهد. این فرآیند مستلزم تغییر در نهادهای غیررسمی (هنجارها و ارزش‌های مشترک) در میان سیاست‌گذاران و دیپلمات‌هاست تا منافع اقتصادی به عنوان محور اصلی تصمیم‌گیری‌ها شناخته شود.

کند» ابتدا کد اولیه و توی امنیتی دریافت می‌کرد. این کد در مرحله بعد، در کنار کدهای مشابه دیگر، مضمون فرعی غلبه منطق امنیتی را شکل می‌داد و نهایتاً به مضمون اصلی موانع نهادی-شناختی کمک می‌کرد. این فرآیند استقرایی برای تمام داده‌ها تکرار شد.

برای افزایش اعتبار و روایی^۴ پژوهش، از راهبردهای متعددی استفاده شد:

■ اعتبارپذیری^۵: از راهبرد سه‌گانه‌سازی داده‌ها^۶ استفاده گردید. یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها با دو منبع دیگر مورد بررسی تطبیقی قرار گرفت: (۱) یافته‌های کلیدی حاصل از مرور نظام‌مند ادبیات و (۲) اسناد بالادستی و گزارش‌های رسمی (مانند گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس و اتاق بازرگانی ایران).

■ انتقال‌پذیری^۷: توصیف غنی و دقیقی از بستر پژوهش، مشارکت‌کنندگان و فرآیند گردآوری داده‌ها ارائه شد تا خوانندگان بتوانند قابلیت تعمیم یافته‌ها به زمینه‌های مشابه را ارزیابی کنند.

■ اطمینان‌پذیری^۸ و تأییدپذیری^۹: یک پروتکل پژوهشی دقیق تدوین و تمامی مراحل تحقیق، از جمله متن پیاده‌شده مصاحبه‌ها و فرآیند کدگذاری، مستندسازی شد تا امکان بازبینی و حسابرسی فرآیند توسط پژوهشگران دیگر فراهم باشد.

4. Trustworthiness

5. Credibility

6. Data Triangulation

7. Transferability

8. Dependability

9. Confirmability

10. Institutional Logic

جدول ۳. مضامین نهایی پژوهش (برگرفته از مصاحبه‌ها و کدهای مصاحبه)

ردیف	مضمون اصلی	مضامین فرعی
۱	تعریف اقتصادی سازی	توسعه تجارت
		جذب سرمایه گذاری
		کاهش وابستگی به منابع طبیعی
		تقابل سیاسی
		تعامل اقتصادی
		پیوند دیپلماسی با سودآوری
		دسترسی به بازارهای جهانی
		منافع اقتصادی به عنوان محور اصلی تصمیم گیری
		کاهش تنش های بین المللی
		افزایش همکاری های منطقه ای
۲	موانع اقتصادی سازی	ساختار متمرکز و بوروکراتیک سیاست گذاری خارجی
		ضعف هماهنگی بین وزارت امور خارجه و نهادهای اقتصادی
		تحریم ها
		تداوم تنش های منطقه ای
		نقش نهادهای موازی در سیاست گذاری خارجی
۳	نقش تحریم ها در اقتصادی سازی	فرصتی برای تقویت خودکفایی و توسعه روابط با شرق
		تحریم یک مانعی جدی است
		افزایش هزینه های تجارت و کاهش اعتماد سرمایه گذاران خارجی
		محدودیت در دسترسی به سیستم بانکی بین المللی و افزایش هزینه های مبادلات مالی
		کاهش جذب سرمایه گذاری خارجی و محدودیت در توسعه اقتصادی
		لزوم ایجاد راه حل های جایگزین مانند استفاده از ارزهای دیجیتال و توسعه سیستم های مالی



ردیف	مضمون اصلی	مضامین فرعی
۴	روابط با همسایگان	پتانسیل بالای تجارت با کشورهای همسایه
		روابط با ترکیه و پاکستان
		اهمیت احیای روابط اقتصادی با افغانستان پس از ثبات سیاسی
		پتانسیل‌های همکاری با کشورهای حوزه خلیج فارس
۵	اصلاحات ساختاری	ضرورت اصلاح ساختار وزارت امور خارجه
		تمرکز بر منافع اقتصادی کشور بجای توجه صرف بر مسائل سیاسی
		تصمیم‌گیری‌ها باید به‌جای آنکه بر اساس ملاحظات اقتصادی باشد، تحت تأثیر مسائل ایدئولوژیک و سیاسی قرار گیرد
		ضرورت ایجاد یک نهاد هماهنگ‌کننده بین وزارت امور خارجه و نهادهای اقتصادی
۶	درس‌هایی از کشورهای موفق	توجه به الگوهای موفق موجود
		گسترش روابط اقتصادی حتی با رقبای سیاسی از طریق الگوبرداری از ترکیه
		بهره‌گیری از تجربه هند در استفاده از دیپلماسی برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی
۷	تأثیر بر امنیت ملی	اقتصادی‌سازی سیاست خارجی، امنیت ملی را از طریق کاهش وابستگی به نفت و افزایش قدرت اقتصادی تقویت می‌کند
		اقتصاد قوی، سپر دفاعی بهتری از موشک‌هاست
		بدون کاهش تنش‌های سیاسی، این راهبرد ممکن است ناقص بماند
		اعتماد بین‌المللی پیش‌نیاز سرمایه‌گذاری است
		اقتصادی‌سازی سیاست خارجی می‌تواند به افزایش قدرت نرم ایران در منطقه و جهان کمک کند و از طریق توسعه اقتصادی، جایگاه ایران را در نظام بین‌المللی تقویت کند

موانع اصلی: صلبیت نهادی و غلبه منطق امنیتی

شش نفر از کارشناسان، ساختار متمرکز و بوروکراتیک سیاست‌گذاری خارجی را مانعی کلیدی برشمردند. این ساختار باعث می‌شود که تصمیم‌گیری‌ها به‌جای آنکه بر اساس ملاحظات اقتصادی و سودآوری باشد، تحت تأثیر مسائل سیاسی و ایدئولوژیک قرار گیرد.

یکی از سیاست‌گذاران سابق مجلس (E18) بیان کرد: «ساختار کنونی باعث شده سیاست خارجی بیشتر به مسائل سیاسی محدود شود و از پتانسیل‌های اقتصادی غفلت شود». این یافته را می‌توان در چارچوب نظریه نهادگرایی، به‌عنوان نمونه‌ای آشکار

نقش تحریم‌ها: کاتالیزور تغییر یا تشدیدکننده صلیبیت؟

دیدگاه‌ها درباره تحریم‌ها دوگانه بود. پنج نفر آن‌ها را فرصتی برای تقویت خودکفایی و توسعه روابط با شرق (مانند چین و هند) و کشورهای همسایه دانستند. در مقابل، چهار نفر آن‌ها را مانعی جدی تلقی کردند که هزینه‌های تجارت را افزایش داده و اعتماد سرمایه‌گذاران خارجی را کاهش داده است.

از منظر نظری، تحریم‌ها یک شوک خارجی^{۱۲} به سیستم نهادی ایران وارد کرده‌اند. این شوک پتانسیل آن را دارد که وابستگی به مسیر را شکسته و پنجره‌ای برای تغییر نهادی باز کند (مثلاً از طریق سوق دادن کشور به سمت شرکای جدید). با این حال، یافته‌ها نشان می‌دهد که در غیاب اصلاحات در نهادهای داخلی، این شوک خارجی می‌تواند به تشدید صلیبیت نهادی نیز منجر شود؛ زیرا ساختارهای بوروکراتیک موجود، به جای انطباق خلاقانه، با رویه‌هایی پیچیده‌تر و ناکارآمدتر به تحریم‌ها پاسخ می‌دهند.

روابط با همسایگان: پتانسیل‌های محبوس در بوروکراسی

مشارکت‌کنندگان متفق‌القول بودند که پتانسیل تجارت با کشورهای همسایه بسیار بالاست. یک عضو هیئت رئیسه اتاق بازرگانی (E11) توضیح داد: «صادرات ما به عراق به راحتی می‌تواند دو برابر شود، اما موانع گمرکی و ناهماهنگی‌های داخلی این فرصت را از ما گرفته است» (اتاق بازرگانی ایران، ۱۴۰۲). این یافته نشان می‌دهد که حتی در حوزه‌هایی که فرصت‌های آشکار وجود دارد، همان موانع نهادی و بوروکراتیک داخلی مانع از بهره‌برداری کامل از آن‌ها می‌شوند.

از وابستگی به مسیر^{۱۱} تحلیل کرد. ساختار سیاست خارجی ایران به‌طور تاریخی حول محور دغدغه‌های سیاسی-امنیتی شکل گرفته و این مسیر، قواعد بازی و حتی فرهنگ سازمانی را به گونه‌ای نهادینه کرده که تغییر آن بسیار دشوار است. نقل قول فوق نشان می‌دهد که این نهاد رسمی (ساختار)، چگونه رفتار بازیگران (دیپلمات‌ها) را محدود کرده و آن‌ها را به سمت اولویت‌بندی مسائل سیاسی سوق می‌دهد.

پنج نفر به ضعف هماهنگی بین وزارت امور خارجه و نهادهای اقتصادی مانند وزارت صمت و اتاق بازرگانی اشاره کردند. این عدم هماهنگی باعث می‌شود که سیاست‌های خارجی به‌طور کامل با نیازهای اقتصادی کشور هم‌راستا نباشند. علاوه بر این، ضعف هماهنگی میان وزارت امور خارجه و نهادهای اقتصادی که مصاحبه‌شوندگان به آن اشاره کردند، از منظر مدل سیاست پوروکراتیک قابل تبیین است. این ناهماهنگی صرفاً یک مشکل مدیریتی نیست، بلکه نتیجه رقابت‌های بوروکراتیک میان نهادهایی با منافع سازمانی متفاوت است. همان‌طور که یک تحلیل‌گر با سابقه فعالیت در نهادهای راهبردی (E16) بیان کرد:

«هر دستگاهی ساز خودش را می‌زند. وزارت خارجه دغدغه روابط سیاسی را دارد، وزارت صمت به دنبال صادرات است، و دستگاه امنیتی ملاحظات خودش را دارد. در عمل، یک طرح اقتصادی خوب در این چرخ‌دنده‌ها آن‌قدر ساییده می‌شود که دیگر چیزی از آن باقی نمی‌ماند». این روایت، تصویری دقیق از فرآیندی است که در آن، سیاست نهایی نه یک انتخاب عقلانی، بلکه یک برآیند سیاسی از چانه‌زنی میان این بازیگران بوروکراتیک است.

12. Exogenous Shock

11. Path Dependency



اصلاحات ساختاری: ضرورت تغییر در قواعد بازی

شش نفر اصلاح ساختار وزارت امور خارجه را ضروری دانستند. پیشنهادات شامل تقویت معاونت اقتصادی، آموزش دیپلمات‌ها با مهارت‌های اقتصادی و افزایش تعداد رایزن‌های اقتصادی در سفارتخانه‌ها بود. یک سفیر سابق (E1) تأکید کرد که «دیپلمات‌های ما باید مانند بازرگانان فکر کنند و در مذاکرات اقتصادی فرصت‌ها را شناسایی کنند». این پیشنهادات مستقیماً به ضرورت تغییر در نهادهای رسمی (ساختار سازمانی) و نهادهای غیررسمی (فرهنگ سازمانی و مهارت‌ها) اشاره دارد. صرفاً تغییر ساختار کافی نیست؛ باید منطق نهادی حاکم بر ذهنیت دیپلمات‌ها نیز از طریق آموزش و مهم‌تر از آن، از طریق تغییر در نظام انگیزشی (مانند معیارهای ارتقای شغلی) متحول شود.

درس‌هایی از کشورهای موفق: الگوهای تغییر نهادی

اهمیت الگوبرداری از تجربیات موفق بین‌المللی، نکته‌ای که پیش‌تر نیز توسط پژوهشگرانی چون سجادپور و همکاران (۱۳۹۲) بر آن تأکید شده بود، یکی از مضامین تکرارشونده در مصاحبه‌ها بود. هفت نفر به الگوهای موفق اشاره کردند. چین با پروژه کمر بند و جاده (Cai, 2017) به عنوان نمونه‌ای از استفاده از دیپلماسی برای توسعه زیرساخت‌ها و تجارت مطرح شد. ترکیه به دلیل گسترش تجارت با آفریقا و آسیای مرکزی (Kirişçi, 2011) و امارات به دلیل تبدیل شدن به هاب مالی (Hvidt, 2011) مورد توجه قرار گرفتند. این کشورها نه به عنوان مدل‌هایی برای تقلید، بلکه به عنوان نمونه‌هایی موفق از تغییر نهادی قابل تحلیل هستند. آن‌ها توانسته‌اند قواعد بازی داخلی خود را به گونه‌ای بازطراحی کنند که دیپلماسی در خدمت اهداف اقتصادی قرار گیرد.

تأثیر بر امنیت ملی: گذار از امنیت سخت به امنیت اقتصادی

هشت نفر معتقد بودند که اقتصادی‌سازی سیاست خارجی، امنیت ملی را از طریق کاهش وابستگی به نفت و افزایش قدرت اقتصادی تقویت می‌کند. یک استاد تمام علوم سیاسی (E3) بیان کرد: «اقتصاد قوی، سپر دفاعی موثرتری از موشک‌هاست». با این حال، چهار نفر هشدار دادند که بدون کاهش تنش‌های سیاسی، این راهبرد ممکن است ناقص بماند، زیرا «اعتماد بین‌المللی پیش‌نیاز سرمایه‌گذاری است». برخی از کارشناسان نیز به این نکته اشاره کردند که اقتصادی‌سازی سیاست خارجی می‌تواند به افزایش قدرت نرم ایران در منطقه و جهان کمک کند و از طریق توسعه اقتصادی، جایگاه ایران را در نظام بین‌المللی تقویت کند. با این حال، برای تحقق این هدف، کاهش تنش‌های سیاسی و افزایش همکاری‌های بین‌المللی ضروری است.

این یافته‌ها، تصویری جامع از دیدگاه خبرگان را ارائه می‌دهند. در بخش بعدی، این یافته‌های توصیفی در چارچوب مفهومی پژوهش تحلیل و تفسیر خواهند شد تا به درک عمیق‌تری از ریشه‌های ناکارآمدی دست یابیم.

بحث و تحلیل یافته‌ها

در این بخش، یافته‌های توصیفی پژوهش را از سطح گزارش فراتر برده و با استفاده از چارچوب مفهومی یکپارچه (تعامل نهادگرایی و تحلیل سیاست خارجی) تحلیل می‌کنیم. هدف این بخش، تبیین مکانیزم‌های عمیقی است که منجر به تداوم موانع در مسیر اقتصادی‌سازی سیاست خارجی ایران می‌شوند.

صلبیت نهادی به مثابه بستر ناکارآمدی

یافته‌های مصاحبه به وضوح مؤلفه‌های نظریه نهادگرایی نوین را تأیید می‌کنند. اشاره مکرر مصاحبه‌شوندگان به ساختار متمرکز و بوروکراتیک، محدود شدن به مسائل سیاسی و دشواری تغییر رویه‌ها، نمونه‌های آشکاری از صلبیت نهادی و وابستگی به مسیر هستند. این ساختار که به طور تاریخی حول محور دغدغه‌های امنیتی شکل گرفته، یک منطق نهادی امنیت‌محور را به عنوان یک نهاد غیررسمی قدرتمند در ذهنیت سیاست‌گذاران و دیپلمات‌ها نهادینه کرده است. این منطق، به تعبیر نظریه، قواعد بازی را به گونه‌ای تعریف می‌کند که در آن، ملاحظات اقتصادی همواره در اولویت دوم قرار می‌گیرند. بنابراین، ساختار نهادی ایران، بستری مقاوم در برابر تغییر ایجاد کرده است.

رقابت بوروکراتیک به مثابه مکانیزم استمرار وضع موجود

در این بستر نهادی، بازیگران چگونه عمل می‌کنند؟ یافته‌های پژوهش در مورد ضعف هماهنگی، تضاد منافع سازمان و اینکه هر دستگاهی ساز خودش را می‌زند، دقیقاً همان چیزی است که مدل سیاست بوروکراتیک پیش‌بینی می‌کند. هر نهاد (وزارت خارجه، وزارت صمت، نهادهای امنیتی) بر اساس جایگاه خود، منافع ملی را از دیدگاه منافع سازمانی خود تعریف می‌کند. در غیاب یک منطق اقتصادی حاکم و یک نهاد هماهنگ‌کننده قدرتمند، این رقابت‌ها به مصالحه‌هایی منجر می‌شود که در آن، یک طرح اقتصادی خوب در چرخ‌دنده‌های بوروکراسی ساییده می‌شود. بنابراین، رقابت بوروکراتیک، مکانیزمی است که از طریق آن، وضعیت موجود که توسط ساختار نهادی تعریف شده، بازتولید و تقویت می‌شود.

تعامل میان ساختار و بازیگر: تبیین یکپارچه موانع

تحلیل یکپارچه نشان می‌دهد که این دو پدیده یکدیگر را تقویت می‌کنند. منطق امنیت‌محور (ساختار نهادی) به بازیگران امنیتی قدرت و مشروعیت بیشتری در فرآیند چانه‌زنی می‌بخشد. از سوی دیگر، رقابت‌های بوروکراتیک (رفتار بازیگران) مانع از شکل‌گیری اجماعی برای اصلاح ساختار نهادی می‌شود، زیرا هرگونه تغییر ساختاری ممکن است منافع سازمانی برخی نهادها را به خطر اندازد. در نتیجه، ایران در یک تعادل ناکارآمد گیر افتاده است که در آن، ساختار و بازیگران به صورت متقابل مانع از اقتصادی‌سازی مؤثر سیاست خارجی می‌شوند. این تحلیل تعاملی، سهم اصلی این پژوهش در گذار از توصیف به تبیین نظری است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

نتیجه‌گیری

این پژوهش نشان داد که اقتصادی‌سازی سیاست خارجی ایران، بیش از آنکه یک مسئله تصمیم‌گیری باشد، یک چالش عمیق نهادی است. موانع اصلی نه در سطح راهبردها، بلکه در سطح قواعد بازی و ساختارهای عمیق قرار دارند. تحلیل یکپارچه نشان داد که وابستگی به مسیر سیاست خارجی امنیت‌محور (برآمده از نظریه نهادگرایی) بستری را فراهم کرده که در آن رقابت‌های بوروکراتیک میان نهادهای مختلف تبیین‌شده توسط مدل تحلیل سیاست‌های خارجی به مکانیزم اصلی مقاومت در برابر تغییر تبدیل شده است. مشارکت علمی اصلی این پژوهش، ارائه یک تبیین نظری یکپارچه از ریشه‌های ناکارآمدی در این حوزه از طریق تحلیل تعامل میان ساختار و بازیگر است.



پیشنهادهای سیاستی

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاقی پژوهش

تمامی اصول اخلاقی در پژوهش این مقاله رعایت شده‌اند.

حامی مالی

این مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت‌نویسندگان

نویسندگان به یک اندازه در نگارش مقاله مشارکت داشته‌اند.

تعارض منافع

بنابر اظهار نویسندگان این مقاله تعارض منابع ندارد.

بر اساس تحلیل انجام‌شده، پیشنهادات این پژوهش فراتر از توصیه‌های کلی و بر تغییر نهادی متمرکز است:

■ ایجاد نهاد هماهنگ‌کننده فراقوه‌ای (هدف:

شکستن صلیبیت نهادی): به جای اصلاحات

جزئی، پیشنهاد می‌شود یک شورای عالی

دیپلماسی اقتصادی با اختیارات واقعی و به

ریاست معاون اول رئیس‌جمهور تشکیل شود

تا بر رقابت‌های بوروکراتیک غلبه کرده و

هماهنگی را در سطح کلان نهادینه کند. این

اقدام وابستگی به مسیر را هدف قرار می‌دهد.

■ تغییر در نهادهای غیررسمی (نظام انگیزشی)

(هدف: تغییر منطق حاکم): برای تغییر

ذهنیت دیپلمات‌ها، باید نظام ارزیابی و ارتقای

آنها متحول شود. موفقیت در جذب سرمایه

و توسعه تجارت باید به یکی از شاخص‌های

کلیدی ارزیابی عملکرد (KPI) تبدیل شود تا

منطق اقتصادی در فرهنگ سازمانی وزارت

خارج نهادینه گردد. این اقدام منطق نهادی

امنیت‌محور را به چالش می‌کشد.

■ نهادزدایی از رویه‌های موازی (هدف: کاهش

رقابت بوروکراتیک): باید با شفاف‌سازی و

تفکیک وظایف، از دخالت نهادهای غیرمرتبط

در سیاست‌گذاری اقتصادی خارجی جلوگیری

کرد تا فرآیندهای سازمانی بهینه شوند و

زمینه رقابت‌های بوروکراتیک کاهش یابد.

این پژوهش پیشنهاد می‌کند که تحقیقات آتی

می‌تواند با رویکردی تطبیقی، فرآیند تغییر نهادی

در سیاست خارجی کشورهایی مانند ترکیه را به طور

عمیق‌تر مطالعه کرده تا درس‌های عملیاتی تری برای

ایران استخراج نماید.



References

- Ahmadian, H. (2016). Evolution in Saudi Regional Politics: Proceedings of King Salman. *Foreign Relations Quarterly*, 8(4), 97-122.
- Ahmadian, H. (2018). Iran and Saudi Arabia in the age of Trump. *Survival*, 60(2), 133-150. <https://doi.org/10.1080/00396338.2018.1448579>
- Ahmadian, H. (2021). Dignity, Wisdom and Expediency: How Ideational Factors Shape Iran's Foreign Policy. *The International Spectator*, 56(4), 33-48. <https://doi.org/10.1080/03932729.2021.1991118>
- Ahmadian, H., & Khodayar, B. (2021). Russia and Hamas after 2006: Realities of a Questionable Relationship. *Journal of World Sociopolitical Studies*, 5(1), 193-223. <https://sid.ir/paper/1007504/en>
- Ahmadian, H., & Mohseni, P. (2019). Iran's Syria strategy: The evolution of deterrence. *International Affairs*, 95(2), 341-364. https://doi.org/10.1007/978-94-6265-419-8_13
- Ahmadian, H., & Mohseni, P. (2021). From detente to containment: The emergence of Iran's new Saudi strategy. *International Affairs*, 97(3), 779-799. <https://doi.org/10.1093/ia/iia014>
- Ahmadian, H., & Mohseni, S. (2023). Geopolitical feasibility of the second wave of Arab revolutions in Saudi Arabia and the United Arab Emirates. *Geopolitics Quarterly*, 19(4), 67-92. [10.22034/igq.2023.144304](https://doi.org/10.22034/igq.2023.144304)
- Ahmed, Z. S., & Bhatnagar, S. (2018). The India-Iran-Pakistan triad: Comprehending the correlation of geo-economics and geopolitics. *Asian Studies Review*, 42(3), 475-492. <https://doi.org/10.1080/10357823.2018.1479728>
- Allison, G. T. (1969). Conceptual models and the Cuban missile crisis. *The American Political Science Review*, 63(3), 689-718. <https://www.rand.org/content/dam/rand/pubs/papers/2008/P3919.pdf>
- Amiri, M., & Fallahi, E. (2023). Geopolitics of Iran's Bilateral Relations with Armenia and the Republic of Azerbaijan from 2013 to 2021. *Central Eurasia Studies*, 16(1), 1-22. [10.22059/jcep.2023.333666.450039](https://doi.org/10.22059/jcep.2023.333666.450039)
- Amiri, M., & Shariatnia, M. (2015). Iran and the Requirements of a Developmentalist Foreign Policy. Vice-Presidency for Political-Legal Research. [in Persian] <https://rc.majlis.ir/fa/report/show/954602>
- Asgarkhani, A., Ghahramani, M. J., & Ghaderi Hajat, M. (2019). Geo-economic analysis of China's foreign policy. *Geopolitics Quarterly*, 14(52), 209-233. [20.1001.1.17354331.1397.14.52.11.3](https://doi.org/10.1001.1.17354331.1397.14.52.11.3)
- Baghani, E., & Hassanzadeh, A. (2020). Components of Design Science Research for Information Technology-Based Products: A Systematic Review with a Meta-Synthesis Approach. *Library and Information Science Research*, 10(2), 24-45. [in Persian] [10.22034/jstp.2024.11616.1760](https://doi.org/10.22034/jstp.2024.11616.1760)
- Barkhordari, Y., Kiakojouri, K., & Bayat, M. (2021). Iran's foreign policy and economic development: An analytical review. *Iranian Review of Foreign Affairs*, 12(33), 193-216. [10.22034/irfa.2021.145368](https://doi.org/10.22034/irfa.2021.145368)
- Bayne, N., & Woolcock, S. (Eds.). (2011). *The new economic diplomacy: Decision-making and negotiation in international economic relations* (3rd ed.). Ashgate Publishing. ISBN: 9780754670483, 0754670481
- Bazoobandi, S. (2024). Iran's strategies



- in response to changes in US-China relations. *Middle East Policy*, 31(1), 58-70. <https://doi.org/10.1111/mepo.12727>
- Behboudi Nejad, G. (2022). The Economic Plans of the Major Powers in Central Asia: Implications for Iran. *Jadavpur Journal of International Relations*, 26(2), 177-195. <https://doi.org/10.1177/09735984221133588>
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101. <https://doi.org/10.1191/1478088706qp0630a>
- Braun, V., & Clarke, V. (2021). *Thematic analysis: A practical guide*. Sage. 1473953235, 9781473953239
- Cai, P. (2017). Understanding China's belt and road initiative. Lowy Institute. <https://www.lowyinstitute.org/publications/understanding-china-s-belt-road-initiative>
- Dehghani Firouzabadi, S. J. (2014). A Constructivist Approach to the Foreign Policy of the Islamic Republic of Iran. *Foreign Policy Quarterly*, 28(1), 9-40. [in Persian] http://fp.ipisjournals.ir/article_11175.html
- Dollar, D. (2016). China's engagement with the global economy. Brookings Institution. <https://www.brookings.edu/wp-content/uploads/2016/06/chinas-engagement-with-the-world-economy.pdf>
- Ehteshami, A. (2017). *Iran: Stuck in transition*. Routledge. <https://www.routledge.com/Iran-Stuck-in-Transition/Ehteshami/p/book/9780415710855>
- Eslamian, M., & Habibi, R. (2020). The Political Economy in the Foreign Policy of the I.R. of Iran; With Emphasis on the Foreign Policy of the Developmentalist Government. *Foreign Relations*, 12(2), 337-365. [in Persian] 20.1001.1.20085419.1399.12.2.6.0
- Fotros, M. H., & Ahmadi, H. (2021). Geoeconomics, Structural Change and Energy Use in Iran: A SAM-Based CGE Analysis with Some Geoeconomic and Geopolitical Considerations. *Journal of Economic Modeling*, 15(1), 1-35. https://mp.ra.ub.uni-muenchen.de/117155/MPPRA_Paper_No.117155_posted_27_Apr_2023_06:58_UTC
- Garlick, J. (2018). Deconstructing the China-Pakistan Economic Corridor: Pipe Dreams Versus Geopolitical Realities. *Journal of Eurasian Studies*, 9(1), 37-47. DOI:10.1080/10670564.2018.1433483
- Goharimoghadam, A., & Torabifard, M. (2023). Explaining the Geo-economic Logic of Countries' Role-playing in the Change of Global Governance. *Journal of Governance*, 1(1), 110-127. [in Persian] 10.22034/jokog.2024.201041
- Haidar, J. I. (2017). Sanctions and export deflection: evidence from Iran. *Economic Policy*, 32(90), 319-355. <http://hdl.handle.net/10.1093/epolic/eix002>
- Haji-Yousefi, A. M., & Narouei, H. (2021). Geopolitics, geo-economics and the prospect of Iran-India cooperation in Chabahar. *Geopolitics Quarterly*, 17(62), 1-30. 20.1001.1.17354331.1400.17.63.3.8
- Halperin, M. H., Clapp, P., & Kanter, A. (2006). *Bureaucratic politics and foreign policy* (2nd ed.). Brookings Institution Press. <https://www.brookings.edu/books/bureaucratic-politics-and-foreign-policy/>
- Houshisadat, S. M. (2018). Dialectics of Post-1979 Iranian Foreign Policy in West Asia. *International Studies*, 55(4), 319-336. DOI: 10.1177/0020881718805295
- Hvidt, M. (2011). *Economic diversification in the Gulf states: The case of the UAE*. Copenhagen University

- Press. https://www.researchgate.net/publication/293303671_Economic_diversification_in_the_gulf_Arab_states_Lip_service_or_actual_implementation_of_a_new_development_model
- Iran Chamber of Commerce, Industries, Mines & Agriculture. (2023). Iran's Foreign Trade Report. Chamber of Commerce. [in Persian] <https://iccima.ir>
- Jafari, S. M. (2015, November 18). The Political Economy of Sustainable Development and the Function of the Islamic Republic of Iran; Developments and Solutions [Conference presentation]. International Conference on Humanities, Psychology and Social Sciences, Tehran, Iran. [in Persian] <https://civilica.com/doc/436178>
- Janparvour, M., Zoghi Barani, K., & Bahrami Jaf, S. (2023). Future research on geo-economic relations between Iran and Africa. *Geopolitics Quarterly*, 19(70), 1-33. 20.1001.1.17354331.1402.19.70.6.9
- Kamrava, M., & Bagheri Dolatabadi, A. (2024). Iran's neighborhood policy: Parameters, objectives, and obstacles. *Middle East Policy*, 31(4). DOI:10.1111/mepo.12781
- Karimi, M., & Osuli Odlu, Q. (2022). Iran's Foreign Policy toward Tajikistan: Exploring the Effective Factors. *Insight Turkey*, 24(4), 163-178. DOI:10.1177/18793665221136879
- Katzman, K. (2021). Iran sanctions. Congressional Research Service. <https://sgp.fas.org/crs/mideast/RS20871.pdf>
- Keynoush, B. (2021). Iran's Africa-pivot policy. *Middle East Policy*, 28(3-4), 136-151. DOI:10.1111/mepo.12605
- Khavarinejad, S. (in press). Explaining the Dominant Military-Security Tendency in the Iran-Russia Relationship. *Journal of Eurasian Studies*. <https://doi.org/10.1177/18793665251382950>
- Khoubyari, A., Pirannejad, A., & Rezayan Ghiyebashi, A. (2024). Obstacles and Challenges Facing Scenario-Based Policymaking in Oil Development Policymaking. *Technology in Entrepreneurship and Strategic Management*, 2(2), 154-167. [in Persian] <https://doi.org/10.61838/kman.jtesm.3.2.11>
- Kirişçi, K. (2011). Turkey's foreign policy in turbulent times. *German Marshall Fund*. <https://www.e-ir.info/2015/01/25/turkish-foreign-police>
- Luttwak, E. N. (1990). From geopolitics to geo-economics: Logic of conflict, grammar of commerce. *The National Interest*, (19), 17-23. Stable URL: <https://www.jstor.org/stable/42894676>
- Mahkoui, H., & Goodarzi, M. (2019). The Impact of the Eurasian Economic Union on the Geoeconomics Situation of the Islamic Republic of Iran. *Central Eurasia Studies*, 12(1), 221-240. 10.22059/jcep.2019.267106.449803
- Malek Mohammadi, H. R., & Kamali, Y. (2014). Institutionalization Analysis of Sustainable Development Policymaking in Iran: Examining Obstacles and Presenting a Model. *Tadbir-e-Tose'e*, 26(2), 161-186. [in Persian] 20.1001.1.17350719.1392.26.2.7.5
- Mikail, E. H., Çora, H., & Karabulut, A. (2020). Iran's foreign policy making process' affecting factors and the organizational behaviour. *MANAS Journal of Social Studies*, 9(2), 1147-1165. <https://doi.org/10.29228/TurkishStudies.42956>
- Monshipouri, M., & Boggio, G. D. (2022). Sanctions, deterrence, regime change:



- A new look at US-Iran relations. *Middle East Policy*, 29(4), 58-71. https://www.researchgate.net/publication/366106545_Sanctions_Deterrence_Regime_Change_A_New_Look_at_US-Iran_Relations
- Mousavi, H., & Rad Goudarzi, A. (2024). The 'Iran card' in Russian foreign policy. *Middle East Policy*, 31(4). DOI:10.1111/mepo.12791
- North, D. C. (1990). *Institutions, institutional change and economic performance*. Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511808678>
- Nye, J. S. (2004). *Soft power: The means to success in world politics*. PublicAffairs. <https://books.google.com/books?id=P5-0kPbh12MC>
- Page, M. J., McKenzie, J. E., Bossuyt, P. M., Boutron, I., Hoffmann, T. C., Mulrow, C. D., & Moher, D. (2021). The PRISMA 2020 statement: an updated guideline for reporting systematic reviews. *BMJ*, 372, n71. doi: <https://doi.org/10.1136/bmj.n71>
- Rahnejat, M. (2024). Evaluation of Good Governance Requirements in the Foreign Policy of the 13th Government. *Journal of Governance*, 2(2), 118-133. [in Persian] <https://doi.org/10.22034/jokog.2024.201739>
- Rezayan Ghiyebashi, A., Khoshkam, M., Pourezzat, A. A., & Amiri, H. (2024). Identifying and Managing the Strategic Drivers to Stop the Sale of Crude Oil in Iran on the 1414 Horizon. *Strategic Studies in Oil and Energy Industry*, 15(63), 85-112. [in Persian] URL: <http://iieshrm.ir/article-۱-۱۷۲۳-fa.html>
- Rosecrance, R. (1986). *The rise of the trading state: Commerce and conquest in the modern world*. Basic Books. <https://www.jstor.org/stable/24807622>
- Sajjadpour, S. M. K., Yazdanpanah Shourgholi, M., & Rezayan Ghiyebashi, A. (2013). The Globalization of Democracy, Transnationalization of Norms, and the Plurality of Actors in International Organizations. *International Relations Research*, 3(8), 10-79. [in Persian] https://www.iisajournals.ir/article_41927.html
- Sanaei, M., & Sangari, F. A. (2023). Iran and regional convergence in Eurasia. *Middle East Policy*, 30(1), 110-121. <https://mepc.org/essays/iran-and-regional-convergence-eurasia/>
- Singh, S., & Singh, B. (2019). Geopolitics of ports: Factoring Iran in India's counterbalancing strategy for "Sino-Pak Axis". *Insight Turkey*, 21(3), 185-202. DOI:10.1177/1879366519850712
- Spohr, A. P., & da Silva, A. L. R. (2017). Foreign policy's role in promoting development: The Brazilian and Turkish cases. *Contexto Internacional*, 39(1), 157-178. DOI:10.1590/s0102-8529.2017390100008
- Strange, S. (1996). *The retreat of the state: The diffusion of power in the world economy*. Cambridge University Press. <https://doi.org/10.1017/CBO9780511559143>
- Vakil, S. (2020). Iran and the future of sanctions. Chatham House. <https://www.chathamhouse.org/2020/09/iran-and-future-sanctions>
- Zaboly, R., & Karimi, S. (2017). Economic diplomacy in Iran: reorientation of trade to reduce vulnerability. *Journal of Economic and Administrative Sciences*, 33(2), 173-192. https://ideas.repec.org/h/elg/eechap/16053_17.html
- Zweiri, M., & Abusharar, N. (2022). Iran's trade with neighbors: Sanctions' impact and the alternatives. *Middle East Policy*, 29(4), 45-57. DOI:10.1111/mepo.12663



پیوست ۱: سؤالات محوری پروتکل مصاحبه

جدول: سؤالات اصلی مصاحبه نیمه ساختار یافته

ردیف	سؤال
۱	به نظر شما، «اقتصادی سازی سیاست خارجی» در زمینه ایران به چه معناست و چه ابعادی دارد؟
۲	مهم ترین موانع (ساختاری، سیاسی، فرهنگی) بر سر راه این فرآیند در ایران کدامند؟
۳	تحریم های بین المللی چه نقشی (به عنوان مانع یا فرصت) در این راستا ایفا کرده اند؟
۴	روابط با کشورهای همسایه چگونه می تواند به تحقق این هدف کمک کند و چالش های آن چیست؟
۵	چه اصلاحات مشخصی در ساختار و فرآیندهای دستگاه دیپلماسی (به ویژه وزارت امور خارجه) ضروری است؟
۶	تجربه کشورهای موفق (مانند ترکیه، چین یا امارات) چه درس های عملیاتی برای ایران دارد؟
۷	این راهبرد چه تأثیری بر مفهوم و جایگاه امنیت ملی ایران خواهد داشت؟